



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در این بود که استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان در تفسیر آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران پانزده مطلب در پنجاه صفحه نوشته اند که هر کدام از مطالب در جای خودشان مهم هستند و بحث ما در مطلب دوازدهم بود و بالاخره مطلب در این است که در قران کریم آیات فراوانی داریم که امت اسلامی را در کمال قدرت و عزت و عظمت از جهت فرهنگ و سیاست و اقتصاد و کلاً همه موضوعات معرفی کرده لذا ما می خواهیم بدانیم آیا اهداف عالی ای که قران برای امت اسلام ترسیم و بیان کرده عملی و محقق شده اند یا نه؟ مسلماً اینطور نشده و حالا می خواهیم بدانیم مانع عملی نشدن اهداف عالی ی قران برای امت اسلام چه بوده؟ ایشان برای این موضوع دو علت ذکر کردند؛ اول انواع اختلافات و تفرقه هائی که بین مسلمانان بوجود آمد و باعث ضعف و افول آنان شد البته این اختلافات از همان خلقت آدم در بین انسان ها کما بیش وجود داشته و خداوند متعال نیز پیغمبران را فرستاد تا این اختلافات را رفع کنند اما کج فهمی ها در مسائل مربوط به دین و مسائلی که پیغمبران آورده بودند باعث شد تا مردم دچار اختلاف شوند و در نتیجه به طوائف و فرقه های مختلفی تقسیم شوند و پیغمبر ما نیز فرموده امت من به ۷۲ فرقه تقسیم خواهند شد، دوم انحراف از خط رسالت در بحث حاکم و نحوه حکومت می باشد زیرا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیر علیه السلام را به عنوان حاکم و امام و خلیفه ی بعد از خودش معرفی کرد اما از همان اول در این مسئله

اختلاف بوجود آمد و این اختلاف خیلی دامنه پیدا کرد و همین باعث ضعف و انحطاط و عقب ماندگی های فراوانی شد چراکه اهل بیت علیهم السلام کنار زده شدند و از حق خودشان محروم شدند البته اهل بیت علیهم السلام در این مسئله خاموش نشستند و به مردم فرمودند که علت این عقب ماندگی ها و ضعف ها آن است که ما را کنار زده اند از همان اول حضرت امیر علیه السلام بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله با جریان شورای سقیفه مواجه شد اما حضرت آرام نشست نقل شده که شبها فاطمه زهراء سلام الله علیها را سوار بر حمار می کرد و در خانه مردم می برد و جریان غدیر خم را برایشان یادآوری می کرد و از آنها می خواست که حضرت را یاری کنند اما آنها می گفتند شما دیر آمدید و ما به آنها قول داده ایم!

نمونه هائی را ذکر می کنیم که ائمه علیهم السلام سکوت نکردند و همین موارد نیز در واقع علت عقب ماندگی مسلمانان که محل بحثمان است می باشد:

اول زیارت نامه ای که از حضرت هادی علیه السلام نقل شده و در روز عید غدیر خوانده می شود که در مفاتیح الجنان تقریباً ۲۲ صفحه می باشد و در واقع یک دائرة المعارفی در مورد اینکه به اهل بیت علیهم السلام چه گذشته و چه ظلمهائی شده می باشد، حضرت هادی علیه السلام دو زیارت نامه ی مهم دارد؛ اول زیارت جامعه کبیره و دوم همین زیارت نامه عید غدیر.

دوم دعای ۴۸ صحیفه سجادیه می باشد، صحیفه سجادیه کتاب بسیار مهم و بزرگی است که باید در حوزه ها کتاب درسی باشد، دعای ۴۸ دعائی است که حضرت در روز جمعه و روز عید قربان می خوانده، زمان زمان بنی امیه است که اهل بیت علیهم السلام را کنار زده اند و حکومت و خلافت را غصب کرده اند، دعا

یادم هست یکی از دلائلی که آیت الله بروجردی رحمة الله علیه برای ولایت فقیه بیان می کردند همین فراز از دعای ۴۸ صحیفه سجادیه بود.

خوب و اما برای صحیفه سجادیه شرح های زیادی نوشته شده منتهی بختین و مفصل ترین شرح "ریاض السالکین" تألیف سید علی خان کبیر می باشد، سید علی خان خودش از سادات است و نسبش با ۲۷ واسطه به امام حسین علیه السلام می رسد ایشان در اول کتاب پنج حدیث به عنوان سلسله الآباء والأبناء نقل کرده که تمام واسطه ها در آن از ساداتی هستند که پسر از پدر خودش نقل کرده و تمام آنها از سادات و علماء خیلی مهم می باشند و احادیث نیز بسیار مهم و جالب هستند مثلاً در اولین حدیث ذکر شده که: ﴿عن عبدالله بن عمر قال سمعت رسول الله (ص) و سئل بأي لغة خاطبك ربك ليلة المعراج؟ قال: خاطبني بلغة علي بن أبي طالب (ع) فألهمني أن قلت: يا رب أنت خاطبتي أم علي (ع)؟ قال: يا أحمد؛ أنا شيء لا كالأشياء لا أفاض بالناس ولا أوصف بالشبهات بالأشياء، خلقتك من نوري و خلقت علياً (ع) من نورك، فاطلعت علي سرائر قلبك فلم أجد إلي قلبك أحب إليك من علي بن أبي طالب (ع) فخاطبتك بلسانه كيما تطمئن قلبك﴾.

حدیث پنجمی که سید علی خان نقل کرده این خیر است: ﴿سمعت أبي الحسين يقول: سمعت أبي علي بن أبي طالب (عليه السلام) يقول: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول: نحن بنو عبد المطلب ما عادانا بيت إلا وقد خرب، ولا عاوانا كلب إلا وقد جرب، ومن لم يصدق فليجرب﴾.

این حدیث نیز با همان سند احادیث قبلی نقل شده است.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

بسیار مفصل است و حضرت در بخشی از آن اینطور می فرماید: ﴿اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ خِلْفَانِكَ وَ أَصْفِيَانِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمْنَانِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا، وَ أَنْتَ الْمَقْدَرُ لِذَلِكَ، لَا يُعَالَبُ أَمْرُكَ، وَ لَا يُجَاوَزُ الْمَحْتَمُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ، وَ لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَ لَا لِإِرَادَتِكَ حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِينَ، يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابَكَ مَنبُودًا، وَ فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ، وَ سُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً. اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ...﴾.

ترجمه: خدایا این مقام [ خلافت و القاء خطبه و اقامه نماز عید ] مخصوص خلفای تو و برگزیدگان تو، و این پایگاه های مخصوص ابناء تو - در درجه رفیعی که ایشان را بدان اختصاص داده ای - از طرف غاصبین دستخوش سلب و نهب گشته است، و تقدیر کننده آن تویی. فرمان تو مغلوب نمی گردد، و از تدبیر قطعیت هر طور بخواهی و هر زمان که بخواهی تجاوز نمی شود. و به سبب امری که تو آن را بهتر می دانی چنین تقدیر فرموده ای، و تو در آفرینش و اراده خود متهم نیستی، و کار این سلب و نهب تا آنجا گسترش یافته که برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور و مسلوب الحق شده اند، در حالتی که حکم ترا تبدیل یافته و کتاب ترا دور افتاده و واجبات را از طریقه های تو، تحریف شده و سنتهای پیغمبرت را متروک می بینند. خدایا دشمنان ایشان را از اولین و آخرین و هر که را به اعمال ایشان خشنود شده و شیعیان و پیروانشان را بدست عذاب بسپار، و از رحمت خود محروم مدار... .